

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

154

Case No. 181Date of filing: 4 Mar 1987

** AWARD - Type of Award Final
 - Date of Award 4 March 87
 _____ pages in English 36 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES
AWARD
Case No. 181
Chamber One



دیوان داری دعوی ایران - ایالات متحدہ

154

پرونده شماره ۱۸۱

شعبه یک

حکم شماره ۱-۱۸۱-۲۹۴

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری دعوی ایران - ایالات متحدہ	
ثبت شد - FILED		
Date	4 MAR 1987 ۱۳۶۵ / ۱۲ / ۱۳	تاریخ
No.	181	شماره

بکتل، اینکورپوریتد،

بکتل پترولیوم، اینکورپوریتد،

بکتل اینترنشنال، اینکورپوریتد،

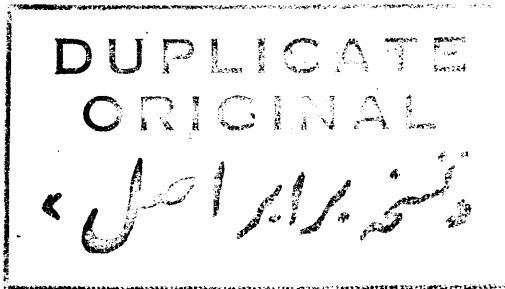
اورسیز بکتل، اینکورپوریتد،

امریکن بکتل، اینکورپوریتد،

بکتل پاور کورپوریشن،

خواهانہا،

- ۹ -



دولت جمهوری اسلامی ایران،

سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران،

شرکت مهندسی و ساخت صنایع نفت ایران،

خواندگان.

حکم

حاضران:

از طرف خواهانها:

آقای تی اچ. دی. دویت ،
آقای پی اچ. آر. پلیسر،
وکلاهی خواهانها،

آقای جی اچ. بتین،
آقای اس. دی. باتلر،
نمایندگان خواهانها،

از طرف خواندگان :

آقای محمد کریم اشراق،
نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،

آقای سید خلیل خلیلیان،
مشاور حقوقی نماینده رابط،

آقای ابوالفضل کوششی،
دستیار نماینده رابط،

آقای عزت الله شهیدا،
وکیل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران،

آقای کریم مکری،
نماینده سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران،

آقای ح. فریز هندی،
کارشناس مالی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران،

سایر حاضران :

آقای جان آر. کروک،
نماینده رابط ایالات متحده امریکا.

۱ - ادعاهای مطروح در پرونده حاضر از قراردادهای منعقد شده برای کارهای مهندسی و خدمات مدیریت چهار پروژه در ایران و نیز از سلب مالکیت ادعایی حقوق یکی از خواهانها در سهام یک شرکت ایرانی ناشی می‌شوند. خواهان، اورسیز بکتل اینکورپوریتد ("او بی آی") از خواندگان، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران ("سازمان گسترش") و شرکت مهندسی و ساخت صنایع نفت ایران ("شرکت مهندسی") بابت نقض قراردادهای گوناگون، خسارت مطالبه می‌کند. خواهان، امریکن بکتل اینکورپوریتد ("ای بی آی") از خواننده، شرکت مهندسی، بابت نقض قرارداد و از خواننده، دولت جمهوری اسلامی ایران ("دولت ایران") بابت سلب مالکیت از حقوقش در سهام شرکت مهندسی، مطالبه خسارت کرده است. او بی آی و ای بی آی "دولت ایران" را متضامنا" مسئول ادعاهای قراردادی مطروح علیه سازمان گسترش و شرکت مهندسی می‌دانند. خواندگان، سازمان گسترش و شرکت مهندسی ادعاهای متقابلی بابت نقض قرارداد و مالیاتها و حق بیمه اجتماعی مطرح کرده‌اند.

اول - واقعیات و اظهارات

۲ - در مورد صلاحیت دیوان، خواهانها اظهار می‌دارند که دو شرکت بکتل، یعنی او بی آی و ای بی آی که ادعاهایی اقامه کرده‌اند، اتباع ایالات متحده بوده و به علاوه در اوقات ذیربط، مالک ادعاهای مربوط به خود بوده‌اند. خواهانها مدعی هستند که سازمان گسترش و شرکت مهندسی واحدهای تحت کنترل ایران می‌باشند. خواندگان (۱)

(۱) دولت ایران دفاعیه و پاسخی به جوابیه خواهان تسلیم نمود. سازمان گسترش و شرکت مهندسی دفاعیه مشترکی تسلیم نمودند. از آن به بعد، شرکت مهندسی در رسیدگیها شرکت نکرد. سازمان گسترش در پاسخ به جوابیه‌ای که اصلتا" تسلیم نمود، اظهار داشت که "با آگاهی از حقوق و منافع که در شرکت مهندسی دارد" اقدام به تسلیم لایحه می‌کند. در جلسه استماع، نماینده سازمان گسترش اشاره کرد که وی نمایندگی شرکت مهندسی را که اگرچه منحل نشده ولی "عملا" متوقف است، برعهده ندارد. به منظور سهولت مراجعه، دیوان در حکم حاضر در مواردی که اشاره به خواننده مشخصی بهر دلیل لازم نباشد، عبارت "اظهارات خواندگان" را بکار می‌برد.

انکار می‌کنند که شرکت مهندسی یک واحد تحت کنترل است و بالعکس، اظهار می‌دارند که شرکت مزبور، یک شرکت خصوصی است. ایشان همچنین استدلال می‌کنند که چون شرکت مهندسی در حال تصفیه است، تنها وسیله خواهانها جهت استیفای حق خود از شرکت مهندسی، همین جریان انحلال در ایران است. خواهانها استدلال می‌کنند که جریان انحلال شرکت مهندسی در ایران، صلاحیت دیوان را نسبت به شرکت مزبور سلب نمی‌کند.

۱ - پروژه چاه بهار

۳ - در مورد ماهیت ادعاها، طرفین مطالبی به شرح زیر ایراد می‌نمایند: در ۴ اکتبر ۱۹۷۷ (۱۲ مهر ماه ۱۳۵۶) او بی آی و سازمان گسترش یک قرارداد خدمات فنی منعقد کردند که به موجب آن، او بی آی ملزم گردید که در رابطه با احداث یک کارخانه برق و شیرین کردن آب-دریا در چاه بهار، خدماتی در زمینه ارزیابی پروژه ارائه دهد. خواهانها اظهار می‌دارند که او بی آی تعهدات قراردادی خود را انجام داده و گزارش نهایی لازم را تسلیم نمود و سازمان گسترش نیز گزارش و خدمات او بی آی را قبول کرد. در ۲۲ دسامبر ۱۹۷۸ (اول دی ماه ۱۳۵۷) او بی آی یک صورتحساب نهایی همراه با گواهی مقرر در قرارداد، از حسابرسان خود، کوپرز اند لیبرند، برای سازمان گسترش ارسال داشت. در آن تاریخ، خواهانها کلاً مبلغ ۴۰۷،۲۸۵/۴۵ دلار بابت خدمات انجام یافته، طلبکار بودند که حسب اظهار ایشان، پرداخت نشده است. او بی آی این مبلغ را به علاوه بهره آن به نرخ ۱۱/۷۵ درصد که در قرارداد مقرر گردیده، از سازمان گسترش مطالبه می‌کند.

۴ - خواهانها اظهار می‌دارند که طبق قرارداد خدمات فنی پروژه چاه بهار و به دستور سازمان گسترش، شرکت مهندسی در ۱۵ اوت ۱۹۷۸ (۲۴ مردادماه ۱۳۵۷) قراردادی

با او بی آی برای انجام خدمات اضافی منعقد نمود. خواهانها اظهار می دارند که او بی آی در اجرای تعهدات قراردادی خود، گزارشهای لازم را تسلیم نمود و خدمات وی پذیرفته شد، زیرا که نه شرکت مهندسی و نه سازمان گسترش شکایتی بابت هیچ نقیصه‌ای نکردند. در ۵ آوریل ۱۹۷۹ (۱۶ فروردین ماه ۱۳۵۸) او بی آی یک صورتحساب نهایی و در ۲۶ آوریل ۱۹۷۹ (۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) گواهی حسابرسان خود، کوپرز اند لیبرند را که در قرارداد مقرر گردیده بود، برای شرکت مهندسی ارسال داشت. میزان بدهی در تاریخ ۵ آوریل ۱۹۷۹ (۱۶ فروردین ماه ۱۳۵۸) مبلغ ۱،۲۹۳،۰۲۲/۱۸ دلار بود که او بی آی آن مبلغ را به علاوه بهره متعلقه به نرخ ۱۱/۷۵ درصد از شرکت مهندسی مطالبه می کند.

۵ - خوانندگان انکار می کنند که ادعای مطروح توسط او بی آی علیه شرکت مهندسی، بابت پرداخت وجه خدمات اضافی، واجد مبنای قراردادی است و نیز نمی پذیرند که او بی آی گزارش نهایی مقرر در قرارداد خدمات فنی یا هر گزارش قابل استفاده‌ای را تسلیم کرده باشد، بلکه می گویند که او بی آی به طور یکجانبه پرسنل خود را از ایران خارج ساخته و در نتیجه قرارداد را فسخ نموده است. خوانندگان معتقدند که صورتحسابهای ارسالی او بی آی به سازمان گسترش و شرکت مهندسی گراف بوده، و حق الزحمه‌های مضاعف مطالبه شده و بابت یک کار، دوبار درخواست وجه شده و یک رقم پیش پرداخت در آنها منظور نشده است. خوانندگان درخواست می کنند که برای تعیین میزان عادلانه مطالبات او بی آی، کارشناسی منصوب شود. خواهانها اظهارات خوانندگان را رد، و با نصب کارشناس مخالفت می کنند.

۲ - مجتمع صنعتی الکترومکانیک

۶ - در اکتبر ۱۹۷۸، او بی آی و شرکت مهندسی به منظور انجام کارهای مهندسی

یک مجتمع صنعتی الکترومکانیک در تهران، قراردادی منعقد کردند. خواهانها اظهار می‌دارند که در ۱۳ نوامبر ۱۹۷۸ (۲۲ آبان ماه ۱۳۵۷) او بی آی طبق قرارداد گزارشی به شرکت مهندسی تسلیم کرد که مورد ایراد واقع نشد و از تاریخ ۱۸ ژوئن ۱۹۷۹ (۲۸ خرداد ماه ۱۳۵۸) که او بی آی آخرین صورتحساب را برای شرکت مهندسی ارسال داشت، مبلغ ۴۰،۶۵۱/۵۱ دلار بابت خدماتی که طبق این قرارداد انجام داده بود، طلبکار است. او بی آی این مبلغ ۴۰،۶۵۱/۵۱ دلار پرداخت نشده را به علاوه بهره متعلقه به نرخ ۱۲ درصد در سال، از شرکت مهندسی مطالبه می‌کند.

۷ - خوانندگان ادعا می‌کنند که این پروژه زیرنظر شرکتی غیر از شرکت مهندسی بوده و بنابراین هر ادعایی باید علیه آن شرکت مطرح شود و اظهار می‌دارند که خدمات او بی آی ناقص بوده و مقررات مربوط به حق الزحمه در قرارداد غیرعادلانه است. خواهانها این اظهارات را رد می‌کنند.

۳ - پروژه کنگاز

۸ - خواهانها اظهار می‌دارند که در ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸ (۳ مهرماه ۱۳۵۷) او بی آی قراردادی با شرکت مهندسی برای ارائه خدمات فنی منعقد کرد که به موجب آن قرار شد کارهای مهندسی یک کارخانه جمع آوری و تصفیه‌گاز در کنگان را بررسی و نظارت کند. خواهانها اظهار می‌دارند که او بی آی خدمات لازم را توسط شرکت انگلیسی بکتل انجام داد و پس از کسب دستور متوقف کردن کار موضوع قرارداد از اول مارس ۱۹۷۹ (۱۱ اسفند ماه ۱۳۵۷)، او بی آی صورتحساب نهایی خود را در ۱۹ آوریل ۱۹۷۹ (۳۰ فروردین ماه ۱۳۵۸) برای شرکت مهندسی ارسال داشت. او بی آی مبلغ ۲۴۲،۱۴۹/۱۱ دلار وجه این صورتحساب تادیه نشده را به علاوه بهره متعلقه به نرخ ۱۲ درصد در سال، از شرکت مهندسی مطالبه می‌کند.

۹ - خوانندگان دفاع خاصی در ماهیت این ادعا ارائه نکرده اند، جز آنکه می‌گویند وجود رابطه قراردادی با خوانندگان اثبات نشده است.

۴ - هزینه کارمندان خارجی

۱۰ - در ۱۰ ژوئیه ۱۹۷۸ (۱۹ تیر ماه ۱۳۵۷) شرکت ملی نفت ایران (شرکت نفت)، سازمان گسترش و ای بی آی قراردادی بین خود منعقد و موافقت کردند که شرکت مهندسی را به عنوان یک شرکت ایرانی تشکیل دهند. طبق قرارداد بین شرکاء، و نیز به موجب ترتیبات قراردادی دیگر، سه سهامدار مزبور ملزم شدند پرسنلی را به عنوان مامور در اختیار شرکت مهندسی قرار دهند. ای بی آی پرسنل مدیریت در اختیار شرکت مهندسی گذارد و در فاصله بین نوامبر ۱۹۷۸ و مارس ۱۹۷۹، سه صورتحساب کلا" به مبلغ ۳۶۵،۸۸۷/۸۷ دلار بابت پرسنل مامور، به شرکت مهندسی فرستاد که پرداخت نشده باقی مانده است. شرکت ای بی آی این مبلغ ۳۶۵،۸۸۷/۸۷ دلار را به علاوه بهره متعلقه به نرخ ۱۲ درصد از شرکت مهندسی مطالبه می کند.

۱۱ - خوانندگان بر مبنای تفسیر خود دایر بر اینکه ای بی آی چه تعداد پرسنل را باید طبق مفاد قراردادهای ذیربط مجانا" در اختیار شرکت مهندسی قرار می‌داد، انکار می‌کنند که ای بی آی حقی نسبت به دریافت این مبلغ داشته باشد.

۵ - هزینه های قبل از تشکیل شرکت

۱۲ - خواهانها اظهار می دارند که دولت ایران از حقوق ای بی آی در شرکت مهندسی سلب مالکیت کرده، و اضافه می‌کنند که یک قسمت از ارزش حقوق ای بی آی عبارت است از هزینه‌هایی که برای تاسیس شرکت مهندسی متحمل شده است. ای بی

آی جبران این هزینه‌های قبل از تشکیل شرکت را به مبلغ ۱۱۳،۰۷۴/۸۴ دلار از دولت مطالبه می‌کند. خواهانها ادعای خود را بنحو دیگری نیز مطرح کرده، استدلال می‌نمایند که ای بی آی ذیحق است همین مبلغ را به عنوان بدهی شرکت مهندسی، دریافت دارد. خواهانها اظهار می‌دارند که شرکت مهندسی این هزینه‌ها را تصویب کرده و ای بی آی صورتحساب آنها را برای وی ارسال داشته‌بود، ولی این هزینه‌ها پرداخت نشده‌است. بنابراین، ای بی آی این مبلغ ۱۱۳،۰۷۴/۸۴ دلار را نیز بعلاوه بهره متعلقه به نرخ ۱۲ درصد از شرکت مهندسی مطالبه می‌کند.

۱۳ - خوانندگان انکار می‌کنند که از شرکت مهندسی سلب مالکیت شده باشد و اظهار می‌دارند که برخی از این هزینه‌ها، به تشکیل شرکت ارتباط نداشته است.

۶ - آورده سرمایه یا حصه شرکا^۶ از ارزش خالص

۱۴ - ای بی آی به عنوان بخش دیگری از حقوق خود در شرکت مهندسی که حسب ادعا از آن سلب مالکیت شده، مبلغی را که طبق اساسنامه شرکت مهندسی بابت سهم آورده پرداخته است، یعنی ۱۴۹،۶۳۵/۸۸ دلار به علاوه بهره متعلقه به نرخ ۱۲ درصد از تاریخ سلب مالکیت، مطالبه می‌کند. خواهانها ادعا می‌کنند که سلب مالکیت از شرکت مهندسی در تاریخی نه دیرتر از ۶ مه ۱۹۸۰ (۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) صورت گرفته است. در غیراینصورت، ای بی آی مبلغ -/۸۶،۲۸۸ دلار که طبق محاسبات وی برابر با یک سوم ارزش خالص دارایی شرکت مهندسی است، مطالبه می‌کند.

۱۵ - خوانندگان انکار می‌کنند که از شرکت مهندسی سلب مالکیت شده‌باشد و استدلال می‌کنند که ای بی آی بیش از سهم‌نسبی خود در مازادی که احتمالاً پس از پرداخت به طلبکاران درجه اول و دوم شرکت مهندسی در جریان تصفیه باقی می‌ماند، ذیحق نیست.

۱۶ - خواهانها استدلال می کنند که دولت ایران باید بدلیل کنترل سازمان گسترش و شرکت مهندسی، متضامنا" مسئول دیون این دو سازمان باشد. گرچه خواهانها بدوا" دولت ایران را منفردا" و مشترکا" مسئول می دانستند، لکن "بعدا" پذیرفتند که مسئولیت دولت در این مورد صرفا" ثانوی است و مستقل نمی باشد. اگر سازمان گسترش و شرکت مهندسی مسئول شناخته نشوند، در آنصورت دولت را نیز نباید مسئول دانست. خواهانها اظهار می دارند که در هر صورت، نباید مبالغی را که از سازمان گسترش و شرکت مهندسی مطالبه کرده اند، بیش از یکبار دریافت کنند، حتی اگر سازمان گسترش و شرکت مهندسی و دولت همگی، مسئول باشند.

۱۷ - دولت در مورد استدلال خواهانها دایر بر اینکه دولت ایران متضامنا" مسئول دیون سازمان گسترش و شرکت مهندسی است، بطور اعم وارد بحث نمی شود، ولی استدلال می کند که ادعای هزینه های قبل از تشکیل شرکت، می تواند فقط بر سلب مالکیت یا نقض قرارداد مبتنی باشد.

۱۸ - خواندگان اظهار می دارند که خواهانها با قصور در انتقال تکنولوژی و تامین آموزش مدیریت و تسلیم گزارشهای لازم و نیز با قیمت گذاری غیرعادلانه، تعهدات خود به موجب قراردادهای چاه بهار و مجتمع صنعتی الکترومکانیک و کنگاز را نقض کرده اند. خواندگان بابت خساراتی که در نتیجه این موارد نقض ادعایی قرارداد، متحمل شده اند، غرامتی جمعا" به مبلغ ۷۰۷،۶۶۱/۴۲ دلار مطالبه می کنند. خواهانها انکار می کنند که قراردادها را نقض کرده باشند و مسوولیتی نیز بابت خسارات نمی پذیرند. خواندگان همچنین ادعاهای متقابلی بابت مالیات و حق بیمه اجتماعی مطرح، ولی مبلغ آنرا معین نکرده اند. خواهانها نمی پذیرند که دیوان صلاحیت رسیدگی به این ادعاهای متقابل را داشته باشد.

۱۹ - خواهانها و خوانندگان، هر دو هزینه‌های متحمله بابت داوری را مطالبه می‌کنند.

دوم - موضوعات شکلی

۲۰ - در جلسه استماع، وکیل سازمان گسترش سندی تحت عنوان "لایحه استماع" بین خواهانها و دیوان توزیع کرده، اظهار داشت که این لایحه "نوشته" همان مطالبی است که وی در نظر دارد شفاهاً در جلسه استماع ارائه دهد. خواهانها به پذیرش این سند اعتراض کرده، اظهار داشتند که این سند حاوی استدلالات جدیدی است و ایشان نمی‌توانند در این مرحله از رسیدگی به آن پاسخ دهند. گرچه دیوان اجازه توزیع آن سند را داد، ولی آنرا برای ثبت نپذیرفت و تصمیم در مورد استفاده یا عدم استفاده و یا میزان استفاده از آن سند را به بعد از استماع موکول کرد. دیوان پس از بررسی سند مزبور به این نتیجه رسیده است که "لایحه استماع" سازمان گسترش در واقع همان لایحه استماعی است که قرار بود تا ۱۵ دسامبر ۱۹۸۵ (۲۴ آذر ماه ۱۳۶۴) به ثبت رساند، ولی سازمان گسترش تا جلسه استماع که در روزهای ۱۳ و ۱۴ فوریه ۱۹۸۶ (۲۴ و ۲۵ بهمن ماه ۱۳۶۴) تشکیل شد، آنرا تسلیم نکرد. لایحه استماع مزبور حاوی شرح مفصل، و تا حدودی تازه از اظهارات سازمان گسترش راجع به واقعیات و استدلالات حقوقی آنست که پذیرش آن برای ثبت، موجب تضییع حقوق خواهانها می‌شود، زیرا که ایشان فرصت کافی برای اظهار نظر در مورد کل آن سند را نداشته‌اند. بنابراین، دیوان "لایحه استماع" را نمی‌پذیرد، ولی استدلالات مندرج در آن را تا حدودی که با محتوای اظهارات شفاهی وکیل سازمان گسترش در جلسه استماع منطبق و مرتبط باشد، مورد توجه قرار می‌دهد.

۲۱ - در جلسه استماع، وکیل خواهانها نسخه‌هایی از دو نامه را توزیع کرد که خوانندگان

به قبول آنها اعتراض نمودند. چون خواهانها دلیلی ارائه نکرده‌اند که چرا این دو نامه را تا جلسه استماع تسلیم ننموده‌اند، دیوان نیز این دو نامه را نمی‌پذیرد.

۲۲ - خواندگان از دیوان درخواست کرده‌اند برای حسابرسی دفاتر او بی آی در رابطه با یکی از ادعاهای مطروح توسط آن شرکت، کارشناس تعیین کند. با توجه به رای دیوان درباره این ادعا (رجوع شود به بندهای ۴۶-۳۷ زیر)، دیوان نصب چنین کارشناسی را ضروری نمی‌داند.

۲۳ - و بالاخره، خواندگان از دیوان درخواست کرده‌اند که اخذ تصمیم در مورد ادعای بهره را به بعد از تصمیم دیوان عمومی در پرونده شماره الف - ۱۹ موکول نماید. دیوان طبق رویه همیشگی خود درباره این موضوع، این درخواست را نمی‌پذیرد.

۲۴ - دیوان متذکر می‌شود که بعد از آنکه خواندگان درخواست کردند که تصمیم درباره تابعیت خواهانها تا بعد از تصمیم دیوان عمومی در پرونده شماره الف - ۲۰ به تعویق افتد، دیوان عمومی رای خود را در مورد پرونده اخیر صادر نمود. (رجوع شود به تصمیم شماره الف - ۲-۴۵ مورخ ۱۰ ژوئیه ۱۹۸۶ (۱۹ تیر ماه ۱۳۶۵) دیوان عمومی. بنابراین، درخواست مزبور اینک منتفی است.

سوم - دلایل حکم

۱ - صلاحیت

الف) خواهانها

۲۵ - او بی آی و ای بی آی تنها خواهانهایی هستند که درخواست صدور حکم به

پرداخت وجوهی به نفع خود نموده‌اند. خواهانها درخواست کرده‌اند که شرکت‌های دیگری نیز که از ایشان بعنوان خواهان نام برده شده، اجازه داشته باشند به عنوان خواندگان ادعاهای متقابل احتمالی، در جریان رسیدگی شرکت کنند و در نتیجه به عنوان طرف دعوی باقی بمانند.

۲۶ - مدارک تسلیمی خواهانها دیوان را متقاعد نموده که او بی آی و ای بی آی که وجوهی را مطالبه کرده‌اند، در ایالت نوادا تشکیل شده و هر دو شرکت های فرعی کاملاً" متعلق به بکتل پترولیوم، اینکورپوریتد می باشند (نام شرکت اخیرالذکر تا ۲ دسامبر ۱۱/۱۹۸۰ آذر ماه ۱۳۵۹، بکتل اینکورپوریتد بود). همین امر در مورد بکتل اینترنشنال اینکورپوریتد، خواهان دیگر مذکور در پرونده حاضر نیز صادق است. خواهانها اظهار می دارند که تا ۳۱ دسامبر ۱۹۸۰ (۱۰ دی ماه ۱۳۵۹) مالکیت انتفاعی بیش از ۹۰ درصد سهام بکتل پترولیوم، اینکورپوریتد، مالک او بی آی و ای بی آی و نیز مالک بکتل پاور کورپوریشن، یک خواهان دیگر پرونده حاضر، متعلق به اتباع ایالات متحده بوده است. از ۳۱ دسامبر ۱۹۸۰ (۱۰ دی ماه ۱۳۵۹) تا به امروز، طبق اظهار خواهانها، بکتل پترولیوم، اینکورپوریتد و بکتل پاور کورپوریشن، شرکت‌های تابعه و کاملاً" متعلق به بکتل گروپ، اینکورپوریتد بوده و بیش از ۹۰ درصد مالکیت انتفاعی سهام آنها نیز بنوبه خود متعلق به اتباع ایالات متحده امریکا بوده است.

۲۷ - خواهانها سوگندنامه شخصی را که دبیر بکتل گروپ، اینکورپوریتد و بکتل پترولیوم، اینکورپوریتد و بکتل پاور کورپوریشن است، در تائید این اظهارات ارائه داده‌اند. در جلسه استماع، خواهانها اظهار داشتند که سهام این سه شرکت، به دلایلی که از نظر ایشان مهم است، در بازار سهام خرید و فروش نمی شود و رویه ایشان اینست که نام سهامداران خود را افشاء نکنند.

۲۸ - دیوان طی دستوری که بعد از جلسه استماع صادر کرد، از خواهانها درخواست نمود که دفاتر و اسناد این سه شرکت یا سایر مدارکی را که به حد کافی نشان دهد که مالکیت انتفاعی پنجاه درصد یا بیش از پنجاه درصد سهام آنها طی مدتهای ذیربطه، متعلق به اشخاص حقیقی تبعه ایالات متحده بوده، برای بازرسی در اختیار مؤسسه حسابداری رسمی پیت ماریک هلند قرار دهند. متعاقباً، پیت ماریک هلند به دیوان گزارش داد که طبق دستور فوق الذکر کار بازرسی را انجام داده و اظهار نظر کرد که به ترتیب، مالکیت انتفاعی بیش از پنجاه درصد سهام بکتل گروپ، اینکورپوریتد، بکتل پترولیم، اینکورپوریتد و بکتل پاور کورپوریشن در مدت ذیربطه، متعلق به اشخاص حقیقی تبعه ایالات متحده بوده است.

۲۹ - دیوان براساس این گزارش و سایر مدارک موجود، نتیجه می گیرد که خواهانها به مفهوم بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، اتباع ایالات متحده می باشند.

ب) خواندگان

۳۰ - دولت جمهوری اسلامی ایران مشمول تعریف کلی بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی است.

۳۱ - سازمان گسترش انکار نمی کند که یک "سازمان دولتی" است. دیوان براساس مدارک موجود در این پرونده معتقد است که سازمان گسترش به مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل، یک واحد تحت کنترل دولت ایران است. مقایسه شود با حکم شماره ۱۶۵-۵۵ مورخ ۱۴ ژوئن ۱۹۸۳ (۲۴ خردادماه ۱۳۶۲) صادره در پرونده ایکانامی فورمز کورپوریشن و جمهوری اسلامی ایران صفحه ۱۰ [متن انگلیسی] و حکم شماره ۱۸۰-۱۴۴ مورخ ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۴ (۲۲ تیر ماه ۱۳۶۳) صادره در پرونده هارنیشفر

کورپوریشن و وزارت راه و ترابری صفحات ۱۲ و ۱۳ [متن انگلیسی].

۳۲ - خواهانها ادعا می کنند که شرکت مهندسی تحت کنترل شرکت ملی نفت ایران ("شرکت نفت") و سازمان گسترش بوده و از بدو تاسیس، یک واحد دولتی محسوب می شده است. ایشان به یک رشته رویدادهای بعد از تشکیل شرکت مهندسی اشاره می کنند که به نظر آنان مبین آنست که حداقل از ۶ مه ۱۹۸۰ (۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۹)، دولت کنترل شرکت مهندسی را در اختیار داشته است.

۳۳ - خواندگان انکار می کنند که دولت کنترل شرکت مهندسی را در اختیار دارد، و اظهار می دارند که بالعکس، شرکت مزبور کماکان یک شرکت خصوصی است. ایشان همچنین اضافه می کنند که بعد از ژوئیه ۱۹۷۹، شرکت مهندسی در جریان انحلال داوطلبانه بوده و اقداماتی که مقامات دولتی معمول داشته اند، برای انجام مقدمات و اجرای انحلال آن شرکت بوده و تنها وسیله خواهان برای استیفای حق خود از شرکت مهندسی، توسل به همین جریان انحلال در ایران است. خواهانها پاسخ می دهند که مطرح بودن جریان انحلال، صلاحیت دیوان را نسبت به شرکت مهندسی سلب نمی کند.

۳۴ - دیوان براساس مدارک موجود معتقد است که در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) شرکت مهندسی به مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، یک واحد تحت کنترل دولت ایران بوده است. دیوان لازم نمی داند که تعیین کند آیا شرکت مهندسی از آغاز تشکیل که یک سوم سهام آن به نام هر یک از سه شریک، یعنی ای بی آی و شرکت نفت و سازمان گسترش صادر شد، و شرکت نفت و سازمان گسترش چهار نفر از شش عضو هیئت مدیره و از جمله مدیرعامل آنرا نصب کردند و تشکیل شرکت به اجازه هیئت وزیران صورت گرفت، تحت کنترل دولت بود یا خیر. در هر صورت، تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) نفوذ ای بی آی در شرکت

مهندسی در واقع به اندازه‌ای کاهش یافته بود که شرکت نفت و سازمان گسترش آن را کنترل می‌کردند.

۳۵ - کنترل دولت بر شرکت مهندسی از طریق شرکت نفت و سازمان گسترش، حسب ظاهر بدلیل رویدادهای زیر که رد نیز نشده، اثبات گردیده است. در آوریل ۱۹۷۹ یک مدیر عامل جدید توسط کمیته انقلاب تهران برای شرکت مهندسی تعیین گردید. در ژوئیه ۱۹۷۹ وزارت نیرو به شرکت مهندسی دستور داد که صورتحسابهای واصله از او بی آی و سازمان گسترش پرداخت نشود. طی هفته اول ماه مه ۱۹۸۰ کمیته مرکزی تهران عملاً کنترل تاسیسات و اسناد شرکت مهندسی را به دست گرفت. از آن به بعد، مدیریت شرکت مهندسی ظاهراً به سازمان گسترش واگذار شد که از طرف شرکت مزبور، در این پرونده دفاعیه‌ای تسلیم نموده است. این رویدادها در مجموع، کنترل ای بی آی را بر شرکت مهندسی به حدی کاهش داد که در واقع شرکت نفت و به ویژه سازمان گسترش در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) کنترل آن شرکت را در دست داشتند. دیوان نظر داده است که هم شرکت نفت و هم سازمان گسترش واحدهای تحت کنترل می باشند و در نتیجه، شرکت مهندسی نیز که تحت کنترل آنهاست مشمول صلاحیت موضوع بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی می باشد.

۳۶ - مطرح بودن جریان انحلال شرکت مهندسی در ایران، صلاحیت دیوان را نسبت به آن شرکت سلب نمی کند. در صورتجلسه مورخ ۲۳ ژوئن ۱۹۷۹ (دوم تیر ماه ۱۳۵۸) سهامداران قید شده است که سهامداران شرکت مهندسی توافق کردند "اقدامات لازم را برای انحلال [شرکت]، معمول دارند". هر چند طبق اظهار خواهانها، نماینده ای بی آی به این دلیل که مطالبات شرکتهای بکتل از شرکت مهندسی هنوز پرداخت نشده بود، به انحلال شرکت رای مخالف داد، خواندگان اظهار می دارند که شرکت مهندسی در جریان انحلال است. با این حال، جریان انحلال، صلاحیت دیوان را نسبت به شرکت مهندسی

سلب نمی کند. همانطور که دیوان در حکم شماره ۳-۱۳۲-۲۱ مورخ ۱۰ ژانویه ۱۹۸۳ (۲۰ دی ماه ۱۳۶۱) صادره در پرونده رکسنورد اینکوریوریتد و جمهوری اسلامی ایران ص ۹ [متن انگلیسی] نظر داد "صرف وجود یک مرجع دادخواهی در محل، خواه قضایی، خواه غیرقضایی، نافی صلاحیت دیوان دآوری نیست."

۲ - ماهیت ادعاها

الف) پروژه چاه بهار

۳۷ - در ۴ اکتبر ۱۹۷۷ (۱۲ مهر ماه ۱۳۵۶) او بی آی و سازمان گسترش یک قرارداد خدمات فنی منعقد نمودند که به موجب آن قرار شد او بی آی در رابطه با احداث یک کارخانه برق و یک کارخانه شیرین کردن آب دریا در چاه بهار، خدماتی در زمینه ارزیابی پروژه ارائه دهد. طبق قرارداد مزبور، قرار شد او بی آی بعد از خاتمه خدمات خود "یک گزارش نهایی از نتایج خدمات [شرکت]" به سازمان گسترش تسلیم نماید. در آوریل ۱۹۷۸، او بی آی گزارشی به سازمان گسترش تسلیم نمود که طبق اظهار وی گزارش نهایی محسوب شده، و شامل یک خلاصه اجرایی و یک مجلد اصلی و یک پیوست بود. سازمان گسترش قبول ندارد که این گزارش، همان گزارش نهایی مقرر در قرارداد بوده و در نتیجه، انکار می کند که او بی آی حقی نسبت به مبلغ مورد مطالبه داشته باشد. سازمان گسترش اظهار می دارد که صورتحسابهای ارسالی او بی آی بابت قرارداد، غیرعادلانه بوده، زیرا که چند بار حق الزحمه مطالبه شده و بابت یک کار، دو مرتبه صورتحساب داده و یک رقم ۵۰,۰۰۰/- دلار پیش پرداخت در صورتحساب منظور نشده است. سازمان گسترش درخواست می کند که دیوان با تعیین کارشناس مشخص کند که حق الزحمه معقول بابت خدمات انجام شده چه میزان است.

۳۸ - مقررات قرارداد دایر بر الزام او بی آی به تسلیم گزارش نهایی، محتوای گزارش را معین نمی‌کند، جز آنکه گزارش باید حاوی "نتایج خدمات او بی آی" باشد. خدماتی که باید به موجب قرارداد ارائه می‌شود، در ماده مربوط به حدود اجرای کار او بی آی، بطور دقیق توصیف و در آن، تعدادی برنامه و طرح و اطلاعات که گزارش نهایی باید حاوی آنها باشد، فهرست وار ذکر شده است. هر چند دیوان در موقعیتی نیست که تعیین کند آیا سه سند تسلیمی او بی آی به عنوان گزارش نهایی، به طور کامل نتایج خدمات او بی آی را تشریح می‌کند یا خیر، لکن به نظر می‌رسد که در این اسناد الزامات ذریبط قراردادی رعایت شده است. علاوه بر آن، دیوان متذکر می‌شود که سازمان گسترش تا جریان رسیدگی حاضر، به گزارش او بی آی اعتراض نکرده و به صورتحساب نهایی او بی آی در ارتباط با خدمات مشروح در این گزارش نیز در همان تاریخ وصول، ایرادی نگرفته است. در قرارداد قید شده است که اگر سازمان گسترش ظرف سی روز از تاریخ دریافت، بدان اعتراضی نکند، گزارش پذیرفته شده تلقی می‌شود و پذیرش گزارش نهایی به منزله اینست که خدمات تکمیل و مورد قبول واقع شده است. بدین ترتیب، دیوان نتیجه می‌گیرد که او بی آی خدمات را بنحو مقرر در قرارداد انجام داده است.

۳۹ - در ۲۲ دسامبر ۱۹۷۸ (اول دی ماه ۱۳۵۷) یک صورتحساب نهایی و خلاصه‌ای از کلیه مبالغ سیاهه شده، برای سازمان گسترش ارسال گردید. جمع مبالغی که سازمان هنوز بدهکار بود، ۴۵/۲۸۵،۴۰۷ دلار بود. همانطور که در قرارداد مقرر شده بود، صورتحساب نهایی، با شرحی از طرف کوپرز اند لیبرند، حسابرسان او بی آی، همراه بود که در آن گواهی شده بود که صورتحساب صحیح و منطبق با قرارداد است. به این صورتحساب تا جریان رسیدگی حاضر، ایرادی گرفته نشد. طبق قرارداد، ظرف سی روز پس از دریافت صورتحساب نهایی توسط سازمان گسترش، وجه صورتحساب باید پرداخت می‌شد. دیوان معتقد است، همانطور که خواهانها نیز مطالبه کرده‌اند، او بی آی ذیحق

بوده که در اول فوریه ۱۹۷۹ (۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷) مبلغ ۴۰۷،۲۸۵/۴۵ دلار از سازمان گسترش دریافت کند. با توجه به این نتیجه‌گیری، دیوان لازم نمی‌داند که دفاتر او بی آی حسابرسی شود و یا کارشناسی برای تعیین ارزش خدماتی که او بی آی طبق قرارداد خدمات فنی انجام داده، نصب گردد.

۴۰ - در قرارداد شرط شده بود که سازمان گسترش می‌تواند از او بی آی درخواست کند که خدمات اضافی نیز انجام دهد و قبول این درخواست از طرف او بی آی، به منزله اطلاعیه اقدام به آن خدمات، محسوب می‌شود. طبق این ماده، سازمان گسترش در سه مورد درخواست ارائه خدمات اضافی کرد که مورد قبول او بی آی قرار گرفت. در ۱۵ اوت ۱۹۷۸ (۲۴ مرداد ماه ۱۳۵۷) شرکت مهندسی قراردادی برای اجرای خدمات اضافی با او بی آی منعقد و شرط کرد که او بی آی طبق مفاد قرارداد خدمات فنی منعقد شده با سازمان گسترش، قرارداد را اجرا کند و حقوق و تعهدات شرکت مهندسی عیناً مانند حقوق و تعهدات سازمان گسترش به موجب آن قرارداد باشد. خدماتی که قرار بود او بی آی برای شرکت مهندسی انجام دهد، عبارت بود از تکمیل خدمات اضافی مندرج در سه درخواست سازمان گسترش، بعلاوه پاره‌ای خدمات مشخص دیگر.

۴۱ - او بی آی تا پایان دسامبر ۱۹۷۸ پنج گزارش پیشرفت کار ماهانه درباره کارهای اضافی تسلیم، و در اکتبر ۱۹۷۹ خلاصه‌ای از کلیه کارهای انجام شده در رابطه با پروژه چاه بهار که کارهای اضافی نیز در آن فهرست شده بود، ارائه نمود.

۴۲ - خوانندگان اظهار می‌دارند که او بی آی بابت کارهای اضافی دوبار مطالبه وجه کرده، زیرا که این خدمات می‌بایست یا برای سازمان گسترش و یا برای شرکت مهندسی انجام داده می‌شد. نامبردگان همچنین ادعا می‌کنند که پرسنل او بی آی قبل از اتمام کار مقرر، ایران را ترک کردند.

۴۳ - خواهانها مدارکی تسلیم کرده‌اند حاکی از اینکه سازمان گسترش و شرکت مهندسی در فوریه ۱۹۷۹ توسط وزارت نیرو مطلع شدند که پروژه چاه بهار لغو شده و نیز اینکه متعاقبا" شرکت مهندسی به او بی آی دستور داد که صورتحساب نهایی را تسلیم نماید. مدارک نشان می دهد که او بی آی تا اوت ۱۹۷۸ برای سازمان گسترش و از اوت تا دسامبر ۱۹۷۸ برای شرکت مهندسی خدمات اضافی انجام داد. این دو نوع خدمت با یکدیگر تفاوت داشت و در صورتحسابهای مربوط بابت یک نوع کار دو بار مطالبه وجه نشده است. در پنجم آوریل ۱۹۷۹ (۱۶ فروردین ماه ۱۳۵۸) او بی آی یک صورتحساب نهایی همراه با خلاصه کلیه مبالغی که بابت کارهای اضافی برای شرکت مهندسی انجام شده بود، جمعاً به مبلغ ۲،۴۹۳،۰۲۲/۱۸ دلار و در ۲۶ آوریل ۱۹۷۹ (۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) نیز شرحی در تائید آن، از طرف کوپرز اند لیبرند ارسال نمود. در آن موقع، نه گزارشهای او بی آی و نه خلاصه صورتحسابها مورد ایراد واقع نشد. بدین ترتیب، طبق مقررات ذیربط قرارداد خدمات فنی، باید چنین فرض کرد که کار انجام و مورد قبول واقع شده، و مبالغ پرداخت نشده باید حداکثر تا اول ژوئن ۱۹۷۹ (۱۱ خرداد ماه ۱۳۵۸) تادیه می شد.

۴۴ - چون شرکت مهندسی در ۱۳ سپتامبر ۱۹۷۸ (۲۲ شهریور ماه ۱۳۵۷) مبلغ ۱،۲۰۰،۰۰۰/- دلار بابت کارهای اضافی به او بی آی پرداخت نمود، بنابراین از اول ژوئن ۱۹۷۹ (۱۱ خرداد ماه ۱۳۵۸) او بی آی مبلغ ۱،۲۹۳،۰۰۲/۱۸ دلار بابت بقیه حق الزحمه اینگونه خدمات طلبکار است.

۴۵ - او بی آی نسبت به مبلغ ۴۰۷،۲۸۵/۴۷ دلاری که به موجب قرارداد خدمات فنی از سازمان گسترش طلبکار است و بابت مبلغ ۱،۲۹۳،۰۰۲/۱۸ دلاری که بابت کارهای اضافی از شرکت مهندسی طلب دارد، بهره‌ای به نرخ ۱۱/۷۵ درصد مطالبه می کند. او بی آی ادعای بهره را برمقررات قرارداد مبتنی می سازد که به موجب آن، به دیون

معوقه "طبق نرخ بهره ممتاز رایج منتشره توسط سیتی بنک اینترنشنال نیویورک، از تاریخ سررسید، تا تاریخی که مبالغ مورد دین و بهره متعلقه تماما" پرداخت شود، بهره تعلق خواهد گرفت."

۴۶ - دیوان طبق رویه قبلی خود، نرخ بهره‌ای را که طرفین در قراردادهای خود قید کرده‌اند، در مورد دیون معوقه اعمال می‌کند. چون قرارداد خدمات فنی، تعهدات شرکت مهندسی را در مورد کارهای اضافی نیز تعیین کرده، او بی آی استحقاق دارد بابت هر دو مبلغ مورد حکم در این سرفصل، بهره‌ای طبق نرخ مقرر در مقررات نقل شده [در فوق]، دریافت کند. خواهانها مدارک بلامعارضی تسلیم کرده‌اند که نشان می‌دهد نرخ بهره ممتاز منتشره توسط سیتی بنک اینترنشنال در تاریخ سررسید هر دو مبلغ مذکور، ۱۱/۷۵ درصد بوده است، و ایشان بهره‌ای به همان نرخ مطالبه می‌کنند. بنابراین، بنظر دیوان او بی آی استحقاق دارد که بابت مبلغ ۴۰۷،۲۸۵/۴۵ دلار از تاریخ اول فوریه ۱۹۷۹ (۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷) و نسبت به مبلغ ۱،۲۹۳،۰۲۲/۱۸ دلار از اول ژوئن ۱۹۷۹ (۱۱ خردادماه ۱۳۵۸) بهره ساده به نرخ ۱۱/۷۵ درصد دریافت نماید.

ب) مجتمع صنعتی الکترومکانیک

۴۷ - در اکتبر ۱۹۷۸، او بی آی و شرکت مهندسی، قراردادی به منظور اجرای خدمات مهندسی منعقد نمودند. طبق این قرارداد، او بی آی ملزم گردید سه نفر مهندس به تهران اعزام نماید تا در رابطه با یک مجتمع صنعتی الکترومکانیک که قرار بود در تهران احداث شود، گزارشی تسلیم کنند. در ۱۳ نوامبر ۱۹۷۸ (۲۲ آبان ماه ۱۳۵۷) او بی آی آن گزارش را به شرکت مهندسی تسلیم نمود.

۴۸ - خواندگان برای اولین بار در جریان رسیدگی حاضر ادعا کردند که "براساس

گزارشهای تسلیمی کارشناس فنی سازمان گسترش، خدماتی که بکتل در پروژه انجام داده، ناقص بوده است." خواندگان توضیحی راجع به این ادعای خود نداده‌اند، و گزارشهای مورد اشاره را نیز تسلیم ننموده‌اند. شرکت مهندسی به گزارش نوامبر ۱۹۷۸ او بی آی تا جریان رسیدگی حاضر اعتراضی نکرد و در واقع، نامه شرکت مهندسی که ضمیمه گزارش ارسالی به سازمان گسترش بود، حاکی است که شرکت مهندسی گزارش را کامل تلقی کرده بود. بر این اساس و با توجه به مقررات قرارداد، دایر براینکه در صورت عدم اعتراض به گزارش ظرف سی روز از تاریخ تحویل آن، اجرای خدمات تکمیل و پذیرفته شده تلقی می‌گردید، دیوان نتیجه می‌گیرد که او بی آی خدمات مقرر در قرارداد را انجام داده است.

۴۹ - خواندگان اظهار می‌دارند که این خدمات برای شرکت مهندسی صورت نگرفته، بلکه برای استفاده شرکت دیگری بوده و بنابراین هر ادعایی طبق آن قرارداد، باید علیه آن شرکت اقامه شود. لکن، درحالی که خواهانها تصدیق می‌کنند که مدیریت نهایی پروژه را شرکت دیگری عهده دار بوده، از قرارداد روشن است که طرف او بی آی در قرارداد خدمات مورد بحث، شرکت مهندسی بوده است.

۵۰ - او بی آی آخرین صورتحساب خود را همراه با خلاصه کل مبلغ مورد مطالبه، یعنی ۴۰،۶۵۰/۵۱ دلار، در ۲۰ ژوئن ۱۹۷۹ (۳۰ خردادماه ۱۳۵۸) برای شرکت مهندسی ارسال داشت. این مبلغ پرداخت نشده است. خواهانها دیوان را متقاعد کرده‌اند که شروط پرداخت در قرارداد آنطور که خواندگان استدلال می‌کنند، غیرعادلانه نبوده است. از آنجاکه ایراد دیگری به مبلغ مورد ادعا گرفته نشده، دیوان او بی آی را ذیحق می‌داند که مبلغ ۴۰،۶۵۰/۵۱ دلار تحت این عنوان دریافت کند.

۵۱ - او بی آی بهره مبلغ فوق الذکر را به نرخ ۱۲ درصد، براساس ماده زیر در

قرارداد مطالبه می کند: "تسبیت به مبالغ مورد دین، بهره ای معادل (۱) دو درصد (۲٪) بیش از نرخ بهره ممتاز منتشره توسط بانک او امریکا، نشنال تراست اند سیوینگز اسوسی ایشن سانفرانسیسکو، کالیفرنیا برای وامهای ۹۰ روزه، و یا (۲) حداکثر میزان بهره ای که قانون حاکم اجازه دهد، هرکدام که کمتر باشد، تعلق خواهد گرفت." خواهانها اظهار می دارند که چون نرخ بهره ممتاز در دوره ذیربط بالاتر بوده، شق دوم، یعنی بهره مقرر طبق قوانین ایران باید اعمال گردد و اضافه می کنند که ماده ۷۱۹ قانون مدنی ایران حداکثر ۱۲ درصد بهره را مجاز دانسته است.

۵۲ - خواندگان کلا "منکر ذیحق بودن خواهانها به دریافت بهره اند، ولی همانطور که در جلسه استماع اظهار داشتند، به هیچیک از جنبه های محاسبه بهره توسط خواهانها بطور اخص، اعتراض نکرده اند. چون تفسیر خواهانها از مفاد ذیربط قرارداد معقول بوده و مورد اعتراض واقع نشده، دیوان معتقد است که او بی آی حق دارد بهره ای به نرخ ۱۲ درصد در سال بابت ۴۰،۶۵۰/۵۱ دلار دریافت کند.

ج) پروژه کنگاز

۵۳ - طبق اظهار خواهانها، او بی آی و شرکت مهندسی در ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸ (۳) مهرماه ۱۳۵۷) یک قرارداد خدمات مهندسی فنی منعقد کردند که به موجب آن او بی آی موظف گردید کارهای مهندسی مربوط به یک کارخانه جمع آوری و تصفیه گاز در کنگاز را بررسی و نظارت کند. خواهانها اصل یا رونوشت قرارداد مورد ادعا را تسلیم نکردند و اظهار می دارند که قرارداد باید در اختیار خواندگان باشد و از خواندگان درخواست کردند که آن را ارائه دهد. خواندگان منکر وجود این قراردادند. دیوان نتیجه می گیرد که چنین قراردادی عملاً "بین او بی آی و شرکت مهندسی منعقد شده است.

۵۴ - در ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸ (۳ مهرماه ۱۳۵۷) شرکت نفت اطلاعیه‌ای جهت شروع کار برای شرکت مهندسی صادر، و از آن شرکت درخواست کرد کارهای مهندسی را که قرار بود در پروژه کنگاز انجام شود، بررسی و نظارت کند. پیوست آن اطلاعیه روشن می‌کند که طرفین در نظر داشتند شرکتهای بکتل آن کار را انجام دهند. یادداشت داخلی مورخ ۲ اکتبر ۱۹۷۸ (۱۰ مهرماه ۱۳۵۷) بکتل انگلستان، یعنی شرکتی که طبق اظهار خواهانها خدمات مورد بحث را انجام داده، حاکی است که قراردادی در ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸ (۳ مهرماه ۱۳۵۷) بین او بی آی و شرکت مهندسی برای ارائه خدمات فنی پروژه کنگاز [متعلق به] شرکت نفت، منعقد شده بود. در گزارشهای پیشرفت کار داخلی شرکت بکتل انگلستان، خدمات انجام شده در رابطه با پروژه کنگاز تشریح گردیده است. در اواخر فوریه ۱۹۷۹، شرکت نفت به او بی آی و شرکت مهندسی اطلاع داد که پرسنل خود را از ایران خارج کنند، زیرا به دلیل کند شدن کارهای مهندسی پروژه "در نتیجه اوضاع اخیر"، دیگر نیازی به خدمات ایشان نبود. از مجموعه این مدارک باید چنین استنباط کرد که قراردادی وجود داشته که طبق آن او بی آی خدماتی بصورت کمک فنی توسط بکتل انگلستان ارائه داده است.

۵۵ - در مورد خدمات انجام شده به موجب این قرارداد، ایرادی مطرح نشده است. در واقع، شرکت نفت در نامه فوریه ۱۹۷۹ خود، مراتب تشکر خود را از کمکهای باارزشی که پرسنل خواهانها در پروژه کنگاز ارائه نموده بودند، اعلام کرده است.

۵۶ - در ۱۹ آوریل ۱۹۷۹ (۳۰ فروردین ماه ۱۳۵۸) او بی آی یک صورتحساب نهایی به مبلغ ۲۴۲،۱۴۹/۱۱ دلار برای شرکت مهندسی ارسال داشت. وجه این صورتحساب که هیچگاه مورد اعتراض واقع نشده، پرداخت نگردیده است. شرکت مهندسی صورتحسابی به همان مبلغ برای شرکت نفت ارسال، و طی نامه ضمیمه آن اعلام داشت که مبلغ ۱۷،۱۰۷،۸۳۴/- ریال از صورتحساب، بابت هزینه‌هایی است که پرسنل خواهانها متحمل

شده اند. علاوه بر آن، خواهانها اظهار می دارند که در جلسه اکتبر ۱۹۷۹ هیئت مدیره شرکت مهندسی، موافقت شد که مبلغ ۷،۰۰۰،۰۰۰/- ریال بابت صورتحسابهای مربوط به پروژه کنگاز، به او بی آی پرداخت گردد. دیوان معتقد است که او بی آی حق دارد بابت خدماتش تحت این عنوان، مبلغ ۲۴۲،۱۴۹/۱۱ دلار دریافت کند.

۵۷ - خواهانها اظهار می دارند که قرارداد حاوی قیدی شبیه قید مربوط در قرارداد مجتمع صنعتی الکترومکانیک در مورد بهره دیون معوقه بوده است. نظیر ادعای مربوط به قرارداد اخیرالذکر، او بی آی بهره ای به نرخ ۱۲ درصد مطالبه می کند. از آنجا که متن واقعی قرارداد و در نتیجه، یک نرخ بهره قراردادی وجود ندارد که دیوان آنرا اعمال کند، بنظر دیوان منطقی است که اصول مندرج در حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰ مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۵ (۶ تیرماه ۱۳۶۴) صادره در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز اینکورپوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران (صفحات ۳۰-۳۴ متن انگلیسی) اعمال گردد. چون آخرین صورتحساب او بی آی در ۱۹ آوریل ۱۹۷۹ (۳۰ فروردین ماه ۱۳۵۸) تسلیم شده، بنظر دیوان منطقی است که مدت دوماه برای پرداخت وجه به شرکت مهندسی فرجه داده می شد. بنابراین، همانطور که او بی آی درخواست کرده، بهره از اول ژوئیه ۱۹۷۹ (۱۰ تیرماه ۱۳۵۸) قابل پرداخت است. نرخ بهره قابل اعمال طبق ضوابط پرونده سیلوانیا در مورد این قسمت از ادعا برای مدت ذیربط، ۱۱ درصد در سال است و بنابراین او بی آی استحقاق دارد بابت مبلغ ۲۴۲،۱۴۹/۱۱ دلار مبلغ مورد حکم تحت این عنوان، بهره ساده ای به نرخ ۱۱ درصد در سال دریافت کند.

د) هزینه های کارمندان خارجی

۵۸ - در دهم ژوئیه ۱۹۷۸ (۱۹ تیرماه ۱۳۵۷) شرکت نفت، سازمان گسترش و ای بی آی

قراردادی بین خود منعقد کردند و به موجب آن، شرکت مهندسی را به عنوان یک شرکت سهامی خاص ایرانی تشکیل دادند. در قرارداد بین شرکا^۶ قید شده بود که سه شریک، پرسنل لازم را بعنوان مامور در اختیار شرکت مهندسی قرار دهند. قرار بود بازپرداخت هزینه اینگونه پرسنل مامور طبق ضوابط تعیین شده مندرج در ضمیمه یادداشت توافق صورت گیرد و شرکت نفت و سازمان گسترش و ای بی آی توافق کرده بودند که ضوابط مزبور توسط شرکت مهندسی اعمال گردد. ضمیمه قرارداد از ۲۸ اکتبر ۱۹۷۸ (۶ آبان ماه ۱۳۵۷) برای شرکت مهندسی الزام آور گردید. در ضمیمه مزبور قید شده بود که "تنها حقوق و سایر هزینه‌های مستقیم کارمندی" قابل جبران خواهد بود.

۵۹ - ای بی آی طبق درخواست شرکت مهندسی، پرسنل مدیریت در اختیار شرکت مهندسی قرارداد. صورتحساب هزینه های این پرسنل دوبار در نوامبر ۱۹۷۸ و یکبار در مارس ۱۹۷۹، جمعاً به مبلغ ۳۶۵،۸۸۷/۸۷ دلار برای شرکت مهندسی ارسال گردید. صورتحسابها توسط بکتل اینترنشنال اینکورپوریتد، یعنی یکی از شرکتهای گروه بکتل که برای کسب و کار در ایران به ثبت رسیده بود، و ای بی آی پرسنل مامور در شرکت مهندسی را در اختیار وی قرارداده بود، ارسال گردید. این رویه در پیوست قرارداد بین شرکا^۶ پیش‌بینی شده بود.

۶۰ - خوانندگان اظهار می دارند که مبالغ صورتحسابهای ارسالی گزاف و غیرقابل قبول است و استدلال می کنند که طبق ترتیبات قراردادی ناظر بر تامین پرسنل مامور، خود ای بی آی ملزم بود حقوق حداقل ۱۰ نفر کارشناس بکتل را بپردازد و تعداد کارمندی که مجاز بود هزینه شان را به حساب شرکت مهندسی بگذارد، به نسبت یک کارمند بکتل در برابر ۱۵ کارمند شرکت مهندسی بود.

۶۱ - ولی قراردادهایی که به عنوان مدرک تسلیم شده، در مورد بازپرداخت هزینه

پرسنل مامور، شرایطی به شرح زیر قایل شده است. قرار بود شرکت مهندسی تنها هزینه‌های مستقیم شرکت بکتل مربوطه را بازپرداخت نماید، به استثنای حق الزحمه مربوط به "۱۰ نفر پرسنل مدیریت یا فنی که قرار بود در اوایل کار در اختیار شرکت مهندسی قرار داده شود" و پرداخت آن بعهده شرکت بکتل باشد. بکتل کامپی بابت بقیه پرسنل مامور نیز حق داشت حق الزحمه ای دریافت کند. در ضمیمه فوق الذکر صراحتاً قید شده بود که "تنها حقوق و سایر هزینه های مستقیم کارمندی" بازپرداخت خواهد شد. بازپرداخت هزینه، مشمول محدودیتی به نسبت یک کارمند بکتل در مقابل ۱۵ کارمند شرکت مهندسی نبود، بلکه قراردادها مبین این "تفاهم طرفین بود که هر نفر کارمند مامور بطور متوسط سرپرستی ۱۵ پرسنل شرکت مهندسی را که ایجاد حق الزحمه می‌کنند، برعهده خواهد داشت."

۶۲ - جوزف بتین نایب رئیس فعلی بکتل پاور کورپوریشن که در آن موقع از طرف ای بی آی مامور شده بود تا به عنوان قائم مقام مدیر عامل شرکت مهندسی خدمت کند، در سوگندنامه خود اظهار داشته که بابت هیچیک از کارمندان مامور از طرف ای بی آی، حق الزحمه‌ای از شرکت مهندسی مطالبه نشده، بلکه صورتحسابهایی که ای بی آی در آنها درخواست وجه کرده، صرفاً "بابت هزینه های مستقیم است. با اینکه دیوان بدون توضیح بیشتری از ناحیه طرفین، نمی تواند تعیین کند که یکایک اقلام مذکور در صورتحساب کاملاً" طبق توافق های مربوطه بوده یا خیر، با اینحال خوانندگان نمی‌توانند اکنون ادعا کنند که ای بی آی حق دریافت هزینه‌های متحمل را ندارد. اولاً، خوانندگان در انکار کلی این ادعا، هیچیک از مبالغ خاص مورد انکار را مورد بررسی قرار نداده‌اند. ثانیاً، تا جریان رسیدگی حاضر، ایرادی چه بصورت کلی و چه بصورت اخص، نسبت به هیچیک از صورتحسابها گرفته نشده است. ثالثاً، جمع مبلغ دو صورتحساب اول در سرفصل "معاملات با شرکتهای وابسته که مدیران (شرکت مهندسی) سهمی در آن دارند" تحت عنوان "خدمات ارائه شده طبق قرارداد" در دفاتر شرکت مهندسی در دوره

مربوط ثبت شده است. براین اساس، دیوان معتقد است که ای بی آی استحقاق دارد مبلغ ۳۶۵،۸۸۷/۸۷ دلار بابت بازپرداخت هزینه‌ها، از شرکت مهندسی دریافت نماید.

۶۳ - همانند ادعاهای مربوط به مجتمع صنعتی الکترومکانیک و گاز کنگان، خواهانها بهره‌ای به نرخ ۱۲ درصد بابت مبلغ یاد شده مطالبه می کنند. باتوجه به عدم تصریح نرخ بهره در قرارداد، دیوان نرخ بهره ای طبق ضوابط مقرر در حکم صادره در پرونده سیلوانیا اعمال می کند. چون خواهانها تقاضا کرده‌اند که از تاریخ شروع جریان رسیدگی حاضر به ایشان بهره پرداخت شود، دیوان نیز از تاریخ ۲۰ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۹ آبان ماه ۱۳۶۰) حکم به پرداخت بهره می دهد. نرخ بهره قابل اعمال برای این قسمت از ادعا در دوره ذیربط، ۹/۵ درصد در سال است. بدینترتیب، ای بی آی استحقاق دارد بابت ۳۶۵،۸۸۷/۸۷ دلاری که تحت این عنوان به نفع وی حکم داده شده، بهره ساده به نرخ ۹/۵ درصد در سال دریافت کند.

ه) هزینه های قبل از تشکیل شرکت

۶۴ - مدیر عامل شرکت مهندسی طی نامه مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۷۸ (۷ تیرماه ۱۳۵۷) خود به سهامداران شرکت اطلاع داد که باید صورت هزینه های متحمل قبل از تشکیل را که قصد دارند از شرکت مطالبه کنند، به شرکت تسلیم نمایند. ای بی آی صورتی حاوی اینگونه هزینه‌ها که از ۲۰۰،۰۰۰/- دلار متجاوز بود، تسلیم نمود. در ۲۸ مارس ۱۹۷۹ (۸ فروردین ماه ۱۳۵۸) شرکت مهندسی مبلغ ۱۱۳،۰۷۶/- دلار از هزینه‌های تسلیمی ای بی آی را تصویب نمود و در ۸ ژوئن ۱۹۷۹ (۱۸ خردادماه ۱۳۵۸) ای بی آی صورتحسابی به مبلغ ۱۱۳،۰۷۶/- دلار برای شرکت مهندسی ارسال داشت. این صورتحساب پرداخت نشده و ای بی آی این مبلغ را از شرکت مهندسی مطالبه می‌کند. ای بی آی بازپرداخت مبلغ ۱۱۳،۰۷۶/- دلار را به عنوان قسمتی از ارزش حقوق خود

در شرکت مهندسی که حسب ادعا از آن سلب مالکیت شده، از دولت ایران نیز مطالبه می نماید.

۶۵ - ای بی آی ذیحق است که مبلغ -/۱۱۳،۰۷۶ دلار بابت طلب خود از شرکت مهندسی دریافت کند. پرسنل شرکت مهندسی این مبلغ را تصویب کردند. دلیلی ارائه نشده که این تصویب براساس تصمیمات مقامات ذیصلاح شرکت مهندسی صورت نگرفته است و خواندگان ایراد خاصی نیز به ارتباط این گونه هزینه ها با تشکیل شرکت مهندسی، نگرفته اند.

۶۶ - ای بی آی از ۲۰ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۹ آبان ماه ۱۳۶۰)، یعنی تاریخ شروع جریان رسیدگی حاضر، بهره به نرخ ۱۲ درصد مطالبه می کند. باتوجه به عدم تصریح نرخ بهره در قرارداد، دیوان نرخ بهره مقرر [طبق ضوابط مندرج در حکم صادره] در پرونده سیلوانیا را اعمال می کند که برای مدت ذیربط در مورد این قسمت از ادعا ۹/۵ درصد در سال است. بنابراین، ای بی آی حق دارد بابت مبلغ -/۱۱۳،۰۷۶ دلار حکم صادره به نفع وی تحت این عنوان، بهره ساده ای به نرخ ۹/۵ درصد در سال دریافت نماید.

و) آورده سرمایه یا حصه شرکا^۶ از ارزش خالص

۶۷ - ای بی آی بابت سهم خود از سرمایه، مبلغ -/۱۰،۵۰۰،۰۰۰ ریال به شرکت مهندسی پرداخت کرده است. خواهانها اظهار می دارند که در تاریخی نه دیرتر از ۶ مه ۱۹۸۰ (۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) از شرکت مهندسی سلب مالکیت شده است، زیرا در حدود همان تاریخ، کمیته انقلاب تهران دارائیها و اسناد و تاسیسات شرکت را توقیف کرد و از آن زمان تاکنون، دولت ایران کنترل کامل امور شرکت مهندسی را در دست داشته

است. ای بی آی مبلغ ۱۴۹،۶۳۵/۸۸ دلار که معادل سهم وی در سرمایه شرکت، بعلاوه هزینه های انتقال وجه مربوطه است، به عنوان ارزش سهم خود در شرکت مهندسی که حسب ادعا از آن سلب مالکیت شده، از دولت مطالبه می کند. ای بی آی ادعای خود را بنحو دیگری نیز مطرح کرده، سهم خود را از ارزش خالص شرکت مهندسی در تاریخ سلب مالکیت، مطالبه می نماید.

۶۸ - خوانندگان انکار می کنند که از شرکت مهندسی سلب مالکیت شده باشد و استدلال می کنند که ای بی آی با انحلال شرکت مهندسی موافقت کرد و نمی تواند خارج از جریان انحلال شرکت، وجهی دریافت کند و تنها حق دارد به نسبت سهم خود از مازادی که احتمالاً پس از پرداخت مطالبات طلبکاران درجه اول و دوم شرکت در جریان انحلال باقی می ماند، دریافت نماید.

۶۹ - دیوان لازم نمی داند به بررسی این موضوع بپردازد که آیا سلب مالکیتی واقع شده یا خیر و ای بی آی تحت چه شرایطی با انحلال شرکت مهندسی موافقت کرده است. بالعکس، دیوان این عنصر ادعا را مردود می شناسد، زیرا ولواینکه سلب مالکیتی نیز صورت گرفته باشد، خواهانها اثبات نکرده اند که ذیحق به دریافت خسارت می باشند. اولاً، خواهانها توضیح نداده اند که چرا دیوان باید ارزش شرکت مهندسی را براساس سهم سرمایه اولیه آن ارزیابی کند و ثانیاً، به اندازه کافی اثبات نکرده اند که در موقع وقوع سلب مالکیت ادعائی، ارزش خالص شرکت مهندسی مثبت بوده است.

۷۰ - خواهانها صورتی حاوی ارزش خالص شرکت مهندسی تسلیم کرده اند که نشان می دهد "سهم خالص هر یک از سهامداران" در ۶ مه ۱۹۸۰ (۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹)، مبلغ -/۸۶،۲۸۸ دلار بوده و اظهار می دارند که دارایی جاری شرکت بیش از آنچه که نشان داده شده، می توانست باشد. خواهانها اظهار می دارند که شرکت

مهندسی می‌بایست بابت هزینه‌های خود در مورد سه پروژه‌ای که مبنای ادعاهای وی در این پرونده است، به شرکت نفت و سازمان گسترش و تقویت سرمایه‌گذاری و مهندسی بابت وجوه نقد و مانده حسابهای بانکی خود بهره‌بردار باشد. خواهانها نگفته‌اند که این احتمالات چگونه می‌توانسته در ارقام صورت ارزش خالص شرکت تاثیر گذارد. از آن مهمتر اینکه از مدارک موجود نزد دیوان می‌توان به یک رشته نتایجی دست یافت که براساس آنها، "ارزش خالص سهم هر سهامدار" کاهش یافته، یا حتی منفی می‌شود.

۷۱ - در صورت ارزش خالص شرکت مهندسی، هزینه‌های اداری مربوط به دوره بین ۲۱ مارس ۱۹۷۹ (اول فروردین ماه ۱۳۵۸)، یعنی تاریخی که خواهانها ترازنامه شرکت مهندسی را تسلیم کردند، و ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹ (۲ مردادماه ۱۳۵۸)، یعنی تاریخی که بودجه شرکت در حال انحلال تصویب گردید، منظور نشده است. افزایش بدهی ناشی از انباشته شدن بهره متعلقه به مبالغ صورتحسابهای معوقه نیز در محاسبه منظور نگردیده است. گزارش حسابرسان شرکت مهندسی که به ترازنامه ۲۱ مارس ۱۹۷۹ (اول فروردین ماه ۱۳۵۸) ضمیمه است، نشان می‌دهد که احتمالاً به شرکت مزبور مالیات تعلق می‌گرفته است. یک چنین بدهی احتمالی در صورت ارزش دارایی خالص منظور نشده است. هزینه‌های انحلال شرکت باید از محل وجوه نقدی و مانده حسابهای بانکی در ۲۱ مارس ۱۹۷۹ (اول فروردین ماه ۱۳۵۸) پرداخت می‌شد. در صورت ارزش خالص شرکت قید نشده است که این امر، یعنی پرداخت هزینه‌های انحلال، تا چه میزان، دارایی شرکت را تا تاریخ ۶ مه ۱۹۸۰ (۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) تقلیل می‌داده است.

۷۲ - براساس مجموعه مدارک، دیوان معتقد است که خواهانها به اندازه کافی اثبات نکرده‌اند که در تاریخ سلب مالکیت ادعایی شرکت مهندسی، ای بی آی طلب خالصی داشته و یا اگر داشته، میزان آن چقدر بوده است. در نتیجه، ادعای ای بی آی برای بازپرداخت سهم وی در سرمایه شرکت مهندسی باید مردود شناخته شود.

ز) مسئولیت تضامنی دولت

۷۳ - خواهانها ادعای کنند که دولت باید متضامنا" با سایر خواندگان، مسوول پرداخت مطالبات ناشی از تعهدات قراردادی شناخته شود، زیرا که کنترل آنها را طبق بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی در اختیار دارد. بنظر دیوان خواهانها به اندازه کافی این ادعای خود را اثبات نکرده و راجع به آن توضیح نداده‌اند.

۳ - ادعاهای متقابل

الف) نقض قرارداد

۷۴ - خواندگان اظهار می دارند که خواهانها تعهدات خود را بابت قراردادهای پروژه چاهبهار، مجتمع صنعتی الکترومکانیک و کنگاز نقض کرده‌اند. این موارد نقض ادعایی عبارتست از قیمت گذاری غیرعادلانه، قصور در تسلیم گزارشهای مقرر و انتقال تکنولوژی و تامین آموزش مدیریت. خواندگان بابت خسارات ناشی از این موارد نقض ادعایی، جمعا" مبلغ ۷۰۷،۶۶۱/۴۲ دلار غرامت مطالبه می کنند که حسب اظهار، معادل جمع مبالغی است که به خواهانها پرداخته اند. در مورد "سایر خسارات مستقیم و جنبی" مورد ادعای مبلغ مشخصی ذکر نشده است. خواهانها انکار می کنند که سه قرارداد را بهر صورت نقض کرده باشند.

۷۵ - دیوان نظر داده است که خواهانها تعهدات خود را به موجب قراردادهای ایفاء کرده‌اند و بدینترتیب نمی تواند مبنایی برای این ادعای متقابل بیابد و ناگزیر آن را مردود می شناسد.

ب) مالیات و حق بیمه اجتماعی

۷۶ - خوانندگان ادعای متقابلی بابت مالیات و حق بیمه اجتماعی مطرح نموده، ولی هیچ مبنای حقوقی دیگری جز یک اشاره کلی به "قوانین ایران"، برای این ادعای متقابل ذکر نکرده‌اند. خوانندگان مبلغ مورد ادعا را نیز مشخص نکرده‌اند، جز آنکه در جلسه استماع یک رقم ۱۰۷،۴۰۸/- دلار ارائه، و اظهار کردند که رقم مزبور باید در قبال هر مبلغی که طبق قراردادهای منعقد شده با شرکت مهندسی، به نفع خواهانها حکم داده شود، تهاتر گردد، زیرا شرکت مهندسی حسب ادعا متعهد بوده، این مبلغ را از وجوه پرداختی به خواهانها کسر کند.

۷۷ - در قراردادهای مورد اختلاف در پرونده حاضر، قید نشده که خواهانها تعهدی برای پرداخت مالیات و حق بیمه اجتماعی دارند. بنابراین، چنین تعهدی تنها می‌تواند از اعمال قوانین ایران ناشی شود که مبنای حقوقی مورد استناد خوانندگان نیز همانست. همانطور که تصمیمات قبلی دیوان روشن ساخته، دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعاهای متقابل مطروح بابت مالیات و حق بیمه اجتماعی را که بر قوانین داخلی مبتنی است و نه بر قراردادهایی که مبنای ادعاها را تشکیل می‌دهد، ندارد. برای نمونه رجوع شود به پرونده سیلوانیا صفحات ۴۰ و ۴۱ [متن انگلیسی] حکم فوق‌الذکر. بنابراین، ادعاهای متقابل مربوط به مالیات و حق بیمه اجتماعی، باید مردود اعلام شوند.

۴ - هزینه‌ها

۷۸ - خواهانها مبلغ ۲۵۱،۷۵۵/- دلار بابت هزینه‌های داوری مطالبه کرده‌اند. باتوجه به اصل لزوم معقول بودن هزینه‌ها که این شعبه در پرونده سیلوانیا صفحات ۳۵ تا ۳۸ [متن انگلیسی] حکم مربوط اتخاذ کرده و در پرونده‌های بعدی آنرا اعمال نموده،

بنظر دیوان منطقی است که مبلغ -/۲۵،۰۰۰ دلار بابت هزینه‌ها، مورد حکم واقع شود.

چهارم - حکم

۷۹ - به دلایل پیش گفته،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می کند:

الف - خوانده، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، متعهد است مبلغ چهارصد و هفت هزار و دویست و هشتاد و پنج دلار و چهل و پنج سنت (۴۵/۲۸۵،۴۰۷ دلار آمریکا) به علاوه بهره ساده به نرخ ۱۱/۷۵ درصد در سال (براساس ۳۶۵ روز) از اول فوریه ۱۹۷۹ (۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷) لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم را از محل حساب تضمینی مفتوح به موجب بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر، به بانک امین صادر نماید، به خواهان، اورسیز بکتل، اینکورپوریتد بپردازد.

ب - خوانده، شرکت مهندسی و ساخت صنایع نفت ایران، متعهد است مبلغ یک میلیون و دویست و نود و سه هزار و بیست و دو دلار و هیجده سنت (۱۸/۲۲۲،۰۲۳ دلار آمریکا) به علاوه بهره ساده به نرخ ۱۱/۷۵ درصد در سال (براساس ۳۶۵ روز) از اول ژوئن ۱۹۷۹ (۱۱ خردادماه ۱۳۵۸) لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم را از محل حساب تضمینی مفتوح به موجب بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر، به بانک امین صادر نماید، به خواهان، اورسیز بکتل،

اینکورپوریتد پردازد.

ج - خوانده، شرکت مهندسی و ساخت صنایع نفت ایران، متعهد است مبلغ چهل هزار و ششصد و پنجاه دلار و پنجاه و یک سنت (۴۰،۶۵۰/۵۱ دلار آمریکا) به علاوه بهره ساده به نرخ ۱۲ درصد در سال (براساس ۳۶۵ روز) از تاریخ اول اوت ۱۹۷۹ (۱۰ مردادماه ۱۳۵۸) لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم را از محل حساب تضمینی مفتوح به موجب بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر، به بانک امین صادر نماید، به خواهان، اورسیز بکتل، اینکورپوریتد پردازد.

د - خوانده، شرکت مهندسی و ساخت صنایع نفت ایران، متعهد است مبلغ دویست و چهل و دو هزار و یکصد و چهل و نه دلار و یازده سنت (۲۴۲،۱۴۹/۱۱ دلار آمریکا) به علاوه بهره ساده به نرخ ۱۱ درصد در سال (براساس ۳۶۵ روز) از اول ژوئیه ۱۹۷۹ (۱۰ تیرماه ۱۳۵۸) لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم را از محل حساب تضمینی مفتوح به موجب بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر، به بانک امین صادر نماید، به خواهان، اورسیز بکتل، اینکورپوریتد پردازد.

ه - خوانده، شرکت مهندسی و ساخت صنایع نفت ایران، متعهد است مبلغ سیصد و شصت و پنجهزار و هشتصد و هشتاد و هفت دلار و هشتاد و هفت سنت (۳۶۵،۸۸۷/۸۷ دلار آمریکا) به علاوه بهره ساده به نرخ ۹/۵ درصد در سال (براساس ۳۶۵ روز) از ۲۰ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۹ آبان ماه ۱۳۶۰) لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم را از محل حساب تضمینی مفتوح به موجب بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) جمهوری دمکراتیک و

مردمی الجزایر، به بانک امین صادر نماید، به خواهان، امریکن بکتل، اینکورپوریتد
بپردازد.

و - خواننده، شرکت مهندسی و ساخت صنایع نفت ایران، متعهد است مبلغ یکصد و
سیزده هزار و هفتاد و چهار دلار و هشتاد و چهار سنت (۱۱۳،۰۷۴/۸۴ دلار) به
علاوه بهره ساده به نرخ ۹/۵ درصد در سال (براساس ۳۶۵ روز) از ۲۰ نوامبر
۱۹۸۱ (۲۹ آبان ماه ۱۳۶۰) لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت
مبلغ حکم را از محل حساب تضمینی مفتوح به موجب بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه
۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر، به بانک امین
صادر نماید، به خواهان، امریکن بکتل، اینکورپوریتد بپردازد.

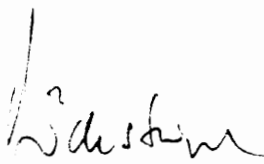
ز - خوانندگان، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، و شرکت مهندسی و ساخت
صنایع نفت ایران، متعهدند مبلغ بیست و پنجهزار دلار (۲۵،۰۰۰ دلار امریکا) به
عنوان هزینه های داوری، به خواهانها، اورسیز بکتل، اینکورپوریتد و امریکن
بکتل، اینکورپوریتد بپردازند.

ح - مابقی ادعاها و ادعاهای متقابل مردود اعلام می شوند.

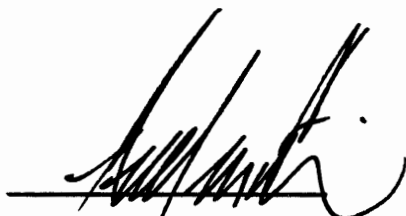
تعهدات فوق با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوح به موجب بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹
ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر ایفاء خواهد شد.

بدینوسیله حکم حاضر برای ابلاغ به کارگزار امانی، به ریاست دیوان تسلیم می گردد.

لاسه، به تاریخ ۴ مارس ۱۹۸۷ برابر با ۱۳ اسفند ۱۳۶۵




کارل - هاینس بوکشتیگل
رئیس شعبه یک



هوارد ام. هولتزمن

بنام خدا



محسن مصطفوی
موافق با قسمتی و
مخالف با قسمت دیگر

کاملاً" با حکم صادره موافقم، به استثنای مبلغ مورد حکم بابت هزینه‌ها، که کافی نیست و در این مورد، صرفاً جهت حصول اکثریت به حکم می‌پیوندم. مبلغ مورد حکم کمتر از ۱۰ درصد هزینه‌های مستند خواهانها را تشکیل می‌دهد، حال آنکه ایشان در ۹۵٪ ادعاها و ۱۰۰ درصد ادعاهای متقابل این پرونده حاکم شناخته شده‌اند. رجوع شود به نظر جداگانه اینجانب در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز اینکورپوریتد، به طرفیت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰ (۲۷ ژوئن ۱۹۸۵ - ۶ تیرماه ۱۳۶۴).

م. ف. ک. ف.